

# چواز خامه بر نامه بستم نگار

محمدصادق میرزا ابوالقاسمی



مجالس شاهنامه داوری

به کوشش کورش کمالی سروستانی

انتشارات بنیادفارس شناسی، شیراز، ۱۳۸۲

بنیان‌های ادبی و فرهنگی هر جامعه‌ای قوم است. علاقه وافر مردمان در شرح با اسطوره‌ها و افسانه‌سازی‌ها، گاه منبع

پیوسته و وامدار آثار درخشان ادبیات آن یا شنیدن تاریخ گذشتگان خود، همراه الهام و آفرینش آثار شگرف ادبی شده است.

شاهنامه فردوسی - محکم‌ترین شأن ادبی ایرانیان - نمونه‌ای از این الهام و آفرینش به حساب می‌آید. سابقه حماسه و جمع‌آوری تاریخ ایران همراه با داستان‌های پهلوانی و باستانی به دوره ساسانیان - یزدگرد سوم - باز می‌گردد و «خدای‌نامه» نخستین اثر این‌چنینی است که از آن یاد شده است. با این حال بیشترین تلاش‌ها در تدوین و گردآوری تاریخ حماسی و پهلوانی ایران - چه به نظم، چه نثر - در زمان سامانیان صورت پذیرفته است. شاهنامه ابوالمؤید بلخی، شاهنامه ابوعلی بلخی و شاهنامه‌ای که چهار تن از موبدان بزرگ خراسان به نام و سفارش ابومنصور محمد بن عبدالرزاق - شاهنامه ابومنصوری - نوشتند، مؤید این نکته است. جز این سه شاهنامه منتور کسانی چون مسعود مروزی و دقیقی پیش از فردوسی در منظوم ساختن شاهنامه تلاش کرده‌اند. شاهنامه فردوسی سرشار از آداب و رسوم پهلوانی، عدالت پروری، عشق و وطن پرستی و سراسر جنگ و رزم است. این منظومه «از یک سوی در بخشهای نخستین افسانه‌ای خود نمونه بارزی از حماسه ملی بوده و از سوی دیگر در بخشهای تاریخی که متکی بر واقعیات است، یک آفرینش ادبی در بالاترین حد تصور به شمار می‌آید.» (نگاره‌های شاهنامه، ص ۱۷)

فردوسی در حدود ۳۷۰ هجری سرودن شاهنامه را آغاز کرده و در ۳۸۴ هجری نسخه اول آن به پایان رسیده است - نمونه‌ای از نسخه اول شاهنامه در کتابخانه موزه بریتانیا و نمونه‌ای دیگر در کتابخانه ملی فرانسه موجود است - و پس از آن تا سال ۴۰۰ هجری حک و اضافاتی بر سروده‌های خود داشته است. (برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به تاریخ مختصر ادبیات ایران، صص ۷۸ - ۸۴)

شاهنامه تاریخ منظوم پهلوانی ایران باستان است. اشعار و مضامین داستانی آن در هر دوره و عصری الهام بخش هنرمندان بوده و کمتر کتابی را می‌توان یافت که چنین باشد. «شاهنامه به دلیل محتوای انسانی، ملی، دینی و نیز روایت زندگی انسان‌ها، مبارزات آنها با یکدیگر و توصیف رمز و راز پیروزی و شکست و اعتقاد و ایمان و



یاری جستن از نیروهای الهی و کردارها و پندارهای نیک و زشت و عشق و شهوت و رسوایی و سرافرازی، جاذبه و سوسه‌گر برای خوشنویسان، نقاشان، مذهب‌بان، و جلدسازان داشته است». (مجالس شاهنامه داوری، مقدمه)

اگر چه خوش‌نویس و نگارگر ایرانی بیش از دیگر هنرمندان از شاهنامه استقبال کرده و مستقیماً با آن سر و کار داشته‌اند، صنایع هنری دیگر نیز بی‌تأثیر از مضامین و اشعار شاهنامه نبوده‌اند و در رشته‌های گوناگون و گسترده هنرهای صناعی و یا نمایشی ایران جلوه‌هایی از آن را می‌توان مشاهده کرد.

شاهنامه به رغم عنوانش کمترین پیوند را با داستان شاهان دارد. با آنکه بخش اول آن در وصف و روایت پادشاهان پیشدادی و افسانه‌ای ایران است و در انتها تاریخ ساسانیان و پادشاهانش را در بر می‌گیرد، بیشترین توجه فردوسی بر انعکاس روایات و حکایات پهلوانان، حماسه‌آفرینان و جنگاوران برخاسته از دل مردم، متمرکز است و بیشتر یک نامهٔ پهلوانی است تا شاهانه.

با این حال پس از مرگ فردوسی - والیته با کمی تأخیر - بیشترین توجه و استقبال از شاهنامه در دربار حکام و سلاطین صورت یافته است، و بهترین نسخه‌ها و نفیس‌ترین شاهنامه‌ها در کتابخانه سلطنتی نوشته، تذهیب، صحافی و نقاشی شده است. تهیه نسخه‌های نفیس از شاهنامه با حجم زیادی که دارد، آن هم به دست بهترین هنرمندان خوش‌نویس و گاه نقاش متحمل هزینه‌های سنگین بود و جز حکام کمتر کسی توان تقبل و پرداخت آن را داشت، و امروز شاهنامه‌های سلطنتی از ارزشمندترین سندهای هنری ایران در کتابت و کتاب‌آرایی به حساب می‌آید.

نقاشی صحنه‌ها و وقایع داستانی - خصوصاً مجالس رزم - شاهنامه در کنار ابیات مربوط به آن تقریباً از ابتدا مرسوم بوده است، اما قدیمی‌ترین نمونه شناخته شده آن متعلق به ۶۷۵ هجری است و اینک در موزه بریتانیا محفوظ است. (مجالس شاهنامه داوری، مقدمه) از قرن هفتم تا به امروز صدها نسخه خطی مصور کوچک و بزرگ در سراسر دنیا شناخته و معرفی شده است. شاهنامه بزرگ (دموت)، شاهنامه جوقی، شاهنامه بایسنقری و شاهنامه شاه طهماسبی از مهم‌ترین نمونه‌های

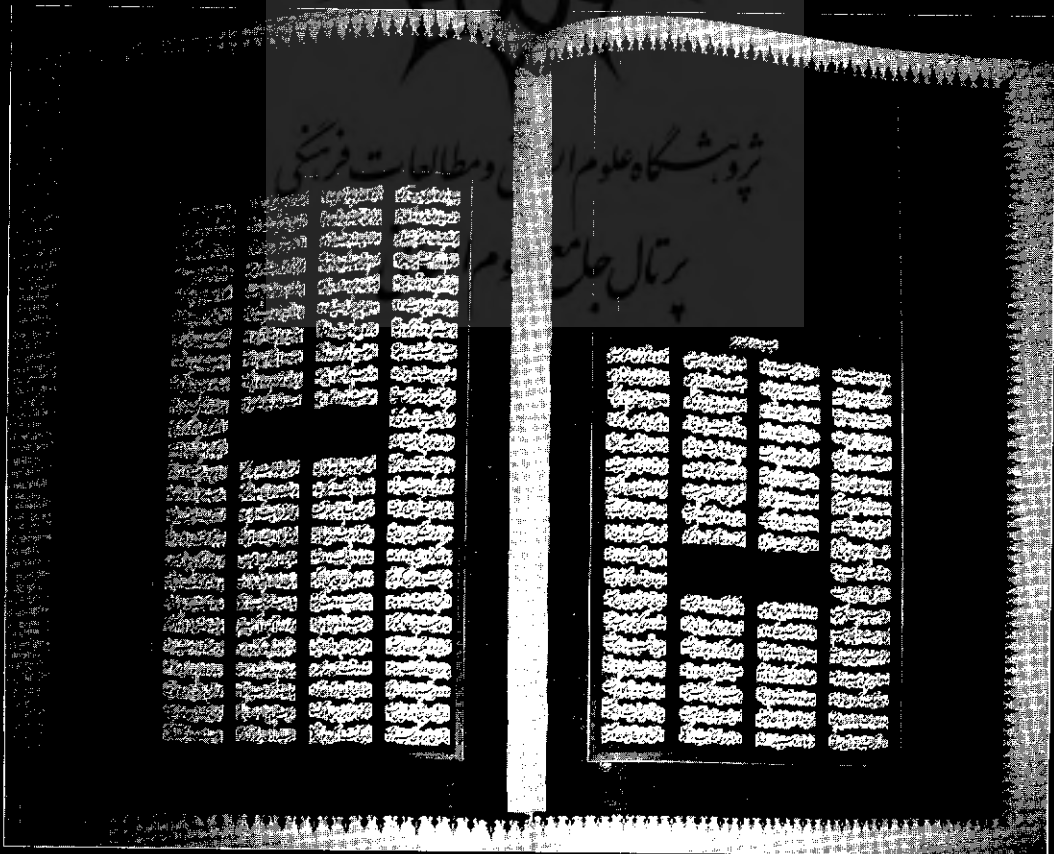
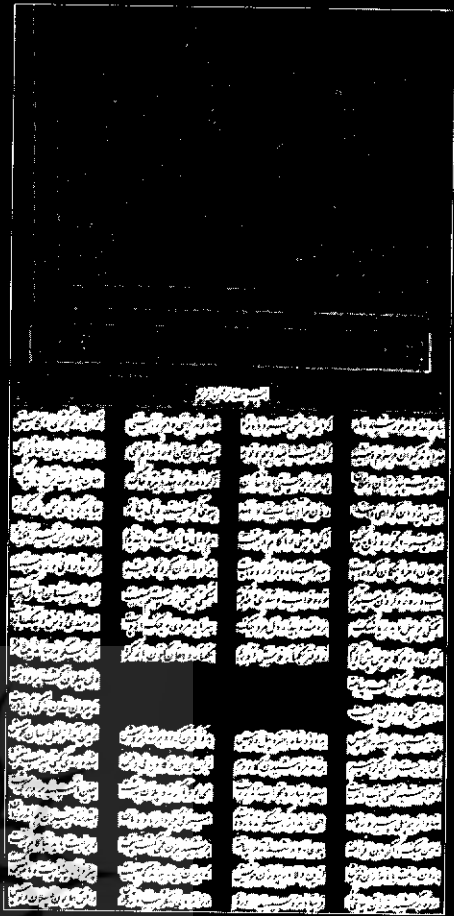
آن هستند. تقریباً تهیه و مدون ساختن نسخه‌های که از دوره ایلخانیان مرسوم بود، از رونق و ذهنیت حاکمان دیگر جایی برای تأثیرات نقاشی اروپایی بر نگارگری و می‌برد و البته تک چهره‌سازی و تک نتیجه کمتر کتابی و تقریباً هیچ نمونه‌ای در این ایام و تا زمان تهیه شاهنامه داوری



پس از پایان حکومت صفویان بر ایران مصور شاهنامه در کتابخانه سلطنتی افتاد. مسائل تاریخی، نوع حکومت‌ها این کار نمی‌گذاشت. از طرفی موج نگارگر ایرانی توجهات را به دیگر سو برگ نگازی بیشتر مورد پسند بود. در از شاهنامه مصور نفیس و شایان توجه دیده نمی‌شود.

شاهنامه داوری به خامه هنرمندان شیرازی محمد داوری، آقا لطفعلی صورتگر، میرزا آقا نقاش، میرزا یوسف مذهب‌باشی و احتمالاً برادر داوری ملقب به فرهنگ ساخته و تهیه شده است. شاهنامه داوری به نام محمد داوری است. او از خانواده معروف و هنرمند وصال و سومین فرزند محمد شفیع وصال شیرازی است. شاهنامه داوری بی‌هیچ سفارش و به همت شخص داوری در نزدیک به ده سال تهیه شده است. این نسخه در چهار جلد تنظیم و صحافی شده است، ۱۲۳۲ صفحه دارد و ابعاد آن ۲۸۴×۴۲۴ میلی‌متر است. خط آن نستعلیق و تماماً به دست محمد داوری نگاشته شده است. اگر چه ابتدا این نسخه در جلد و جعبه‌ای که از چین تهیه و خریداری شده بود، نگهداری می‌شد، اینک جلدی چرمی دارد و اندازه آن ۲۸۵×۴۳۵ میلی‌متر است و در موزه رضا عباسی حفاظت می‌شود. جلد فعلی کتاب به شیوه ضربی و تزیینات آن شامل چهار لچک در گوشه‌ها و ترنج مرکزی و دو سرترنج است. صفحات بدرقه کتاب در پنج صفحه مهره‌کشی و جدول‌کشی شده‌اند. دیباچه کتاب از صفحه ده آغاز می‌شود و تا صفحه هفده ادامه دارد. دو صفحه اول آن تذهیب دارد و نقش و نگار سراسر آن را پوشانده است. زیر سرلوح مذهب و مرصع که کمی بیش از یک سوم صفحه اول را در بر گرفته است، قاب‌بندی سطر نخست در سه سطر دیده می‌شود. عبارت «بسم‌الله الرحمن الرحیم» به قلم سیاه و بر زمینه سفید در وسط، عبارت «دیباچه شاهنامه در شرح حالات حکیم فردوسی» به قلم شنجرف بر زمینه طلایی در قاب سمت راست و عبارت «که راقم کتاب داوری ابن وصال میانی ایراد کرده» به قلم شنجرف بر زمینه طلایی در قاب سمت چپ نوشته شده است. متن شاهنامه تقریباً در سراسر کتاب به قلم سیاه و بر زمینه سفید است. فهرست سلاطین عجم در صفحه هجده آمده است.

همان‌طور که پیش از این هم ذکر گردید شاهنامه داوری در چهار جلد تنظیم شده است، و صفحات آغازین هر



جلد تذهیب دارد. ابیات در جلد اول از صفحه بیست و دوم آغاز می‌گردد. همین صفحه در پایین کادر سرلوحه در بخش میانی قاب‌بندی خود عبارت «بنام خداوند بخشاینده مهربان» را دارد و زیر آن درسطری قاب‌بندی شده - باز در سه بخش - عبارت «کتاب شاهنامه استاد بزرگوار» در قاب سمت راست، «حکیم ابوالقاسم فردوسی رحمه‌الله» در قاب سمت چپ هر دو به قلم شنجرف بر زمینه طلایی و «بسم الله الرحمن الرحیم» در بخش میانی و به قلم سیاه بر زمینه سفید دیده می‌شود. مصراع‌ها در چهار ستون جدول کشی شده قرار گرفته و بیشتر صفحات در بیست و پنج سطر ابیات را در خود جای داده است. عنوان‌ها به قلم شنجرف بر زمینه طلایی یا سفید و با حاشیه‌های تذهیب شده است و در یک قاب مستطیل که در دو ستون میانی صفحه جای دارد، دیده می‌شود.

کتاب شاهنامه داوری نزدیک به پنج سال به درازا کشیده است و همین اندازه برای تذهیب و نقاشی مجالس آن وقت صرف شده است. دوازده مجلس شاهنامه به قلم و نقش و نگار خود محمد داوری است. او در شش قلم خوشنویسی مهارت داشته است و آن را مدیون خاندان هنرمند و مشهور خود است؛ همچنان که نقاشی نیز می‌دانسته و چنان که خود سروده پس از کتابت شاهنامه به تصویرگری آن مبادرت می‌ورزد:

چو کلک نی از دست بگذاشتم  
همان کلک مویینه برداشتم  
شگفتی بسی بردم آنجا به کار  
چو از خامه بر نامه بستم نگار

سید احمد دیوان بیگی در تذکره «حدیقه الشعرا»ی خود آورده است: «کتاب شاهنامه تمام کرده و تذهیب و نقاشی و جلد او کار خودش بود و کمال امتیاز او را داشت. پنج سال زحمت کشید و در آن مدت اجزاء و اوراق او به نظر غالب بزرگان رسید و کسی به بهای زیاد طالب آن نشد. آخر الامر محمد قلی خان قشقایی ایلخانی فارس طالب شد و او کتابت را تمام کرده و شرحی به بحر متقارب مشتمل به زحمت خود و عظمت مقام فردوسی و مدح ایلخانی بر آن بیافزود و ایلخان هفتصد تومان پول نقد و طاقه کشمیری ممتاز و دو اسب خوب به او نیاز کرد.» (حدیقه الشعرا، ص ۶۰۴)

محمد داوری در این مورد می‌گوید:

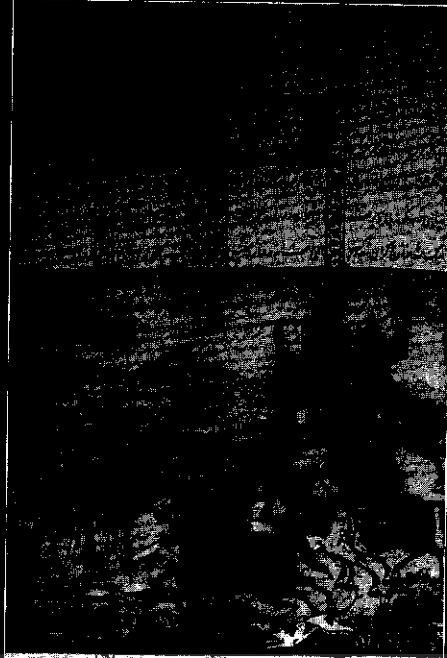
یکی کز همه نامدارتر  
شد این رایگان گنج را خواستار  
شاهنامه داوری شصت و هشت  
را محمد داوری کشیده است، یک  
می‌دانند و پنجاه و پنج مجلس مابقی  
کرده است. «نقاشیهای آقا لطفعلی، به  
است، بی آنکه این شیوه و سبک برایش



زهرکس به هر کار هشیارتر  
به نام وی این نامه شد یادگار  
مجلس نقاشی دارد. دوازده مجلس آن  
مجلس را منتسب به برادرش، فرهنگ  
را آقا لطفعلی صورتگر ساخته و تصویر  
شیوه و سنت نقاشیهای متقدم کار شده  
محدوده‌ای بشود دست و پا گیر... در

مقایسه نقاشیهای آقا لطفعلی در شاهنامه داوری با هر یک از کتابهای حماسی مصور شده در عصر فتحعلی شاه، اندامهای نقاشی شده در شاهنامه داوری را درشت‌تر و صحنه‌های نبرد را شلوغ‌تر و درهم و برهم‌تر می‌یابیم. کارها از حیث طراحی و رنگ‌آمیزی ناهنجاریهای مشخصی دارند؛ مثلاً در بسیاری از جاها سرهای شخصیت اصلی درشت‌تر از حد معمول ساخته شده که گاه، مثل مجلسی که رستم بیژن را از چاه بیرون می‌کشد، به شدت مضحک می‌نماید. اما درست‌تر است که به این آخرین شاهنامه مصور تاریخ نقاشی ایران و به هنرمندی که با دستی لرزان و با حافظه تاریخی‌ای نقصان یافته نهایت سعیش را کرده با رافت و شفقت نگریست». (آقا لطفعلی صورتگر، صص ۴۳-۴۴)

آقا لطفعلی صورتگر، نقاش عهد قاجار، متعهد به مبانی نگارگری سنتی ایران و متأثر از نقاشی اروپایی است که بیش از همه در کار گل و مرغ و نقش پرندگان و همچنین تذهیب مهارت داشته است. در مقاله دکتر لطفعلی صورتگر آمده که جدش آقا لطفعلی در جوانی تصاویری برای شاهنامه ساخته است و به سبک و سیاق خود نازک کاری و پردازهای ملایم و ظریف داشته است و پهلوانان را به شکل جوانان «عشرت‌طلب و میگسار با ابروان مقوس و لب باریک و زلف شانه‌کرده» ترسیم کرده است. از این رو یکی از ایلخانان قشقایی وی را به مدت یک سال به کوچ می‌برد تا مردان و یلان قشقایی و قد و قامت آنان را ببیند و در کارش الگو کند. در دیوان داوری نقل می‌شود که چون کتاب شاهنامه به سردار ایلخانی محمد قلی خان رسید، مجالس آن هنوز به اتمام نرسیده بود. از آن‌جا که ایلخان قشقایی در اتمام آن عجله داشت و محمد داوری نیز تمایلی به سفر با ایل قشقایی در خود نمی‌دید، محمد قلی خان، آقا لطفعلی صورتگر و میرزا آقای نقاش و میرزا یوسف مذهب‌باشی را همراه خود به کوچ برد تا مجالس و تذهیب کتاب را کامل کنند با این حال نه تصاویری که لطفعلی در این نسخه کشیده است متأثر از مردان و یلان قشقایی است و نه نقاشی‌های او خارج از شیراز انجام شده است - لااقل اکثر آنها در



چون در بزم کرامت مست بر خیزد  
نواخته شود بجزایر کرم  
بهاست همه آن کز کرم  
بوی که بر سینه و در کرم  
باید پیشان می خیزد  
ارباب باستان می در کرم  
غدا در میان مشغولان  
که در باد آه ناریان  
بهاست و نغمه در مشغولان  
سینه در بزم آه ناریان  
بغیر ایامش می خیزد  
نارکتش ای خنده و لب  
کرم بزم کرامت  
بوی که بر سینه و در کرم  
باید پیشان می خیزد  
ارباب باستان می در کرم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سازمان چاپ و انتشارات علوم انسانی



شیراز کار شده‌اند.

از میان پنجاه و پنج مجلس آقا لطفعلی، چهل و هفت مجلس آن رقم دارد و هشت نمونه بدون امضا است. نخستین تاریخ بر روی مجالس مذکور ۱۲۷۳ هجری و آخرین آن ۱۲۸۰ هجری است. بیشتر این مجالس در سه سال آخر یعنی ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۰ هجری کار و تصویر شده است. شیوه آقا لطفعلی در این شاهنامه ویژگی خود را دارد و از ابداعات خاصی برخوردار است. «مثلاً در مجلس زفاف رودابه، آقا لطفعلی نقاشی را به سه ردیف زیر هم تقسیم کرده است که ترکیبی تازه است، یا در مجلس زیارت اسکندر، انبوه فرشتگان را در بخش بالایی کار چنان نشانده که بی تعمد یا اصراری جنبه معنوی کار را تشدید می‌کند. یا در صحنه جنگ رستم با پادشاه... سپاه شکست خورده نیم دایره‌ای، و سپاه رستم مثلثی را می‌سازند که رستم بر رخس، در رأس آن قرار گرفته است و تقابل این دو شکل هندسی، پیروزی و نفوذ از یک سو، و شکست و انهزام سوی دیگر را تأکید و تصویر می‌کند.» (آقا لطفعلی صورتگر، ص ۴۴)

شیوه چیدن نقاشی‌ها از هیچ اصول و قاعده‌ای پیروی نمی‌کند. تصاویر گاهی در بالا، پایین یا در میانه صفحه جای می‌گیرند. گاه بیشتر عرض صفحه را اشغال می‌کنند و از کادر خارج می‌شوند و گاه دو مجلس در یک صفحه تصویر شده‌اند. پرسپکتیو در نقاشی‌ها دست و پا شکسته اجرا شده است. رنگ‌ها متنوع و درخشان است و می‌تواند ادامه یک سنت چندین ساله در نقاشی مکتب شیراز تلقی شود. از مجالس مشهور این شاهنامه می‌توان کشته شدن سهراب به دست رستم، نبرد رستم و اشکیوس، و کشته شدن اکوان دیو به دست رستم را نام برد.

تا کنون در چندین مقاله و به‌طور پراکنده در کتب تاریخ نقاشی ایران اشاره‌هایی هرچند کوتاه به شاهنامه دآوری و مجالس آن شده است. با این حال مهم‌ترین منابعی که تصاویر مجالس این کتاب را چاپ کرده‌اند یکی کتاب «آقا لطفعلی صورتگر» به همت جاسم غضبانیور و مقدمه آیدین آغداشلو و یکی کتاب حاضر با عنوان «مجالس شاهنامه دآوری» به کوشش کورش کمالی سروستانی است. در کتاب اول که به نقاشی‌ها و شرح دارد، بیشتر مجالسی که او در این شاهنامه

حاضر تنها منبعی است که تمام مجالس پس از مقدمه گردآورنده، صفحات آغازین در شرح حالات حکیم فردوسی» است و شده است. هر شصت و هشت مجلس چهار جلد مدون نسخه اصلی است به شده است. جلد اول بیست و یک مجلس، شانزده مجلس و جلد چهارم شش مجلس



احوال آقا لطفعلی صورتگر اختصاص کشیده است دیده می‌شود، اما کتاب شاهنامه مذکور را در خود یکجا دارد. شاهنامه دآوری که در «دیباجه شاهنامه سراسر تذهیب و نقش و نگار دارد، چاپ شاهنامه دآوری به همان صورت که در ترتیب و تفکیک در کتاب جای داده جلد دوم بیست و پنج مجلس، جلد سوم

دارد. تمام مجالس با کلیات صفحه مربوط چاپ شده‌اند و همه در سمت چپ کتاب قرار دارند و سمت راست نمونه‌هایی از کتابت دآوری در این شاهنامه را در بر دارد. پیش از آوردن مجالس هر چهار مجلد، صفحات ابتدایی آن که تذهیب دارد، آورده شده است. هیچ توضیح یا تحلیلی بر خط و مجالس شاهنامه مذکور داده نشده است - جز توضیح مختصری که در مقدمه است و بخشی از آن این‌جا آمده است - و صرفاً مجالس و برخی صفحات دیگر شاهنامه با کیفیت مطلوب به چاپ رسیده است. کتاب «مجالس شاهنامه دآوری» مهم‌ترین و کامل‌ترین مجموعه منتخب از نسخه اصلی است.

شاهنامه دآوری بی هیچ سفارش و یا علاقه شاهانه‌ای تهیه و تدوین شده است و ذوق هنرمند راست‌ترین انگیزه در آن بوده است. این نسخه از آخرین نمونه‌های نفیس کتابت و کتاب آرایبی سنتی ایران به حساب می‌آید؛ و اگر چه بی تأثیر از دوره خود و تمایلات غربی نیست، همچنان یادگار و میراث‌دار آخرین جلوه‌های نقاشی ایرانی است.

زگبیتی دو چیز است جاوید و بس  
دگر هر چه باشد نماند به کس  
سخن گفتن نغز و کردار نیک  
نگردد کهن تا جهان است ریک

#### منابع

- دآوری، محمد، دیوان دآوری شیرازی، به کوشش دکتر نورانی وصال، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰  
دیوان بیگی، سید احمد، حدیقه الشعراء تصحیح عبدالحسین نوایی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶  
غضبانیور، جاسم، آغداشلو، آیدین، آقا لطفعلی صورتگر، سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶  
کمالی سروستانی، کورش، مجالس شاهنامه دآوری، بنیاد فارس شناسی، شیراز، ۱۳۸۲  
همای، جلال‌الدین، تاریخ مختصر ادبیات ایران، نشر هما، تهران، ۱۳۷۳.

